

تاریخ ادبیات اردو

ابوسعید نورالدین. لاہور: مغربی ادب پاکستان، ۱۹۹۷. چاپ نخست، ۸۸۵ صفحه.

علی بیات^۱

از این کتاب می‌توان برای تدریس در درس‌های «تاریخ ادبیات اردو (۱ و ۲)»، «متون نظم او ۲»، «ادب منظوم او ۲» در دوره کارشناسی و همچنین درس شعر کلاسیک اردو در دوره کارشناسی ارشد استفاده کرد. با توجه به اینکه دروس یاد شده مرتبط با این کتاب در سطوح مختلف دانشگاهی هستند، گاهی مطالب آن بسنده و کافی است و گاهی مثلاً در دوره کارشناسی ارشد نیاز به منابع تکمیلی دارد. نویسنده با استفاده از منابع مشهور دوره تألیف کتاب توانسته است مطالب متناسب و جامعی را فراهم بیاورد. البته ناگفته نماند که شاید بتوان همزمان با تألیف کتاب مذکور و به ویژه بعد از آن کتاب‌های دیگری نیز یافت که از جامعیت بیشتری برخوردارند. اما به عنوان منبع درسی جامعیت کتاب کفایت دارد.

این کتاب نسبت به کتاب‌های هم‌عصر خود که اغلب با دست، و توسط خطاط‌ها نوشته می‌شوند به خط نستعلیق تایپ شده و زیباست. صحافی و صفحه‌آرایی معمولی است و طرح جلد نوآوری چندانی ندارد.

قواعد ویرایش و نگارش هم نسبتاً خوب است و تا جایی که از نویسنده برآمده است، در رعایت آن‌ها کوشش کرده است. افزون بر آن، نویسنده بنگالی زبان است و اردو زبان مادری او نیست. وی اردو را آموخته است و کتاب‌هایی به زبان اردو به نگارش در آورده است.

این کتاب به دلیل موضوع آن که تاریخ ادبیات است، برای تفهیم موضوع بخش تمرین، آزمون و جدول و ... را ندارد. اما در هر بخش نتیجه و جمع‌بندی با در نظر گرفتن موضوع مورد بحث دارد مثلاً در آغاز تحت عنوان ابتدای نظم اردو تمهیداً مسائلی بیان شده است.

۱. دانشیار دانشگاه تهران.

در بخش بررسی آثار و یا بحث از شعر شاعران از اصطلاحات تخصصی نقد بہ اندازہ کافی بہرہ برداری شدہ است. مثلاً در بررسی شعر میرزا اسداللہ خان غالب در بخش سوم در مورد شعرگویی او می نویسد: «قیام کلتے کے زمانے میں اور اس کے بعد، ایک طویل عرصے تک انہوں نے فارسی اشعار زیادہ کہے۔۔۔ انہوں نے اپنی عمر کے ایک طویل حصے میں اردو سے دانستہ کنارہ کشی اختیار کر رکھی تھی۔۔۔ اس زمانے میں مرزا غالب نے جو غزلیں کہی ہیں ان میں بیدل کا رنگ نہیں ہے، بلکہ وہ رنگ ترک کر کے اپنا مخصوص طرز اختیار کر رہے تھے» (ص. ۶۲۵). این اصطلاح و تعداد کثیری از این دست اصطلاحات با این وجود اینکہ ظاہری فارسی دارند، اما برای خوانندہ فارسی زبان مفہیم خاصی را بہ خود اختصاص دادہ اند کہ اہالی زبان اردو بیشتر می توانند از آن ہا مستفید شوند تا فارسی زبان ہا. دربارہ شاعری بہ نام جلال می نویسد: «جلال اساتذہ کھنؤ کے قدم بہ قدم چلتی تھے اور اس شاہ راہ عام سے کبھی ہٹنا نہیں چاہتے تھے۔ لیکن قیام رام پور کے زمانے میں جہاں داغ دھلوی وغیرہ کا رنگ چھایا ہوا تھا، ان کے طرز میں کچھ فرق پیدا ہوا۔» (ص. ۶۶۴). بہ ہر حال نویسنندہ اصطلاحات رایج در شعر و شاعری بہ خوبی مورد استفادہ قرار دادہ است.

عنوان اثر تاریخ ادبیات اردو است کہ بخش شعر را مورد بررسی قرار دادہ است. فہرست عناوین کاملاً با محتوای اثر مطابقت دارد. سرفصل های مصوب وزارت علوم برای رشتہ زبان و ادبیات اردو در مقطع کارشناسی بسیار قدیمی است و چہ بسا این منبع و منابع قابل توجہی چون تاریخ ادب رام بابو سکسینہ و دکتر جمیل جالبی و غیرہ ہم نادیدہ گرفتہ شدہ است. البتہ این کمبود در بازنگری مرتفع شدہ و این کتاب و کتاب های دیگری مطابق با بازنگری بہ فہرست منابع افزودہ شدہ اند. از موارد نقص آن می توان بہ عدم اشارہ بہ منابع اشعار یاد شدہ از شاعران پرداخت کہ این کار موجب سردرگمی خوانندہ در مورد اینکہ این شعر از کدام مجموعہ است می شود.

کتاب در سال ۱۹۹۷ میلادی چاپ شدہ است و در مورد بسیاری از شعرای مشہور زندہ و یا تازہ فوت شدہ تا تاریخ یاد شدہ مطالبی را در بر دارد. از این منظر کتاب دارای مطالب بہ روز و مفیدی است. نکتہ بسیار مہم این است کہ نویسنندہ در ہر مبحث از مشہورترین کتاب های مربوطہ استفادہ کردہ است. مثلاً آنجا کہ در مورد میرزا محمد رفیع سودا صحبت کردہ است در صفحہ ۵۳۴ از ۴ منبع استفادہ کردہ است. اما شکی نیست کہ می توانست بہ منابع بیشتری کہ در مورد این شاعر تا تاریخ چاپ وجود داشت مراجعہ کند. بہ نظر می رسد مراجعہ بہ متون دیگر را لازم ندانستہ است. و یا در آنجا کہ در مورد شیخ غلام علی مصحفی ہمدانی صحبت می کند، فقط از یک کتاب «کھنؤ کا دبستان شاعری» استفادہ کردہ و در اصل بہ منابع دیگر مراجعہ نکردہ

است. در اغلب موارد این عملکرد به چشم می‌خورد و شاید عیب بزرگی که بر این کتاب وارد است همین باشد که شاعر به ظاهر از منابع مورد استفاده خود یا اسم نبرده است و یا واقعاً از منابع کمتری بهره برده است.

در مقایسه با دیگر کتب تاریخ ادب اردو، شکل نوآوری در این اثر در مورد تقسیم شعر اردو به چند دور و مطالعه آن تحت ۵ باب است. به این ترتیب که «اردو نظم کا آغاز» را تحت باب ششم (چونکه ۵ باب قبل مربوط به نثر و در جلد اول آمده‌اند) آورده و از ابتدا در این مورد صحبت کرده است. اما این مطالب ابتدایی بسیار مختصر است و اگر کسی بخواهد صحبت‌های مقدماتی را به تفصیل دنبال کند، باید به کتب دیگر مراجعه کند. در باب ششم شعر اولیه اردو را نخست در دو بخش «اردو نظم جنوبی هند میں» و سپس «شعراي سلسلہ پای پادشاهی» مختلف را مورد مطالعه قرار داده است. و در باب هفتم در مورد شعر و شاعری اردو در دهلی صحبت کرده است و پس از مقدمه‌ای مختصر شعر اردو در این خطه را در پنج دور مورد مطالعه قرار داده است. این نوع تقسیم‌بندی تفاوت عمده‌ای با دیگر کتب رایج دارد و آن این است که در بیشتر کتب من جمله کتاب تاریخ ادب اردو از رام بابو سکسینه و تاریخ ادب اردو از جمیل جالبی، که گاهی به ترتیب زمانی به این امر پرداخته شده است، و در این کتاب با توجه به خطه‌هایی که شعرا در ادوار مختلف به عنوان مراکز علمی و ادبی انتخاب کرده‌اند از گذشته تا به امروز مورد توجه قرار گرفته است.

نظم و انسجام مطالب در این کتاب در برخی موارد متفاوت‌تر است. ولی در کل اثر با منطق و منسجم پیش‌رفته است و هر باب تحت ادوار مختلف که بر شعر اردو حاکم بوده است، مورد مطالعه و بحث و بررسی قرار گرفته است. منابع مورد استفاده چنانکه گفته شد اگر چه اندک هستند، اما از لحاظ اعتبار منابع بسیار معتبر هستند. اگر چه در هر بحثی هیچ تحقیق و کاری نقطه پایان نمی‌تواند محسوب شود، اما بیشتر منابع مورد استفاده در این کتاب دارای اهمیت بنیادین در هر بحث به شمار می‌روند. اما چنانچه پیش‌تر اشاره شد نویسنده می‌توانست از بسیاری از منابع موثق موجود هم استفاده کند.

با توجه به اینکه در پایان هر مبحث تحت عنوان حواشی، منابع مورد استفاده هم ذکر شده‌اند. به نظر می‌رسد در ذکر منابع مورد استفاده، نویسنده رعایت امانت را خوب انجام داده است.

نویسنده در هر بحث به اختصار اما مکفی به بررسی پرداخته است. اما در مواردی دیده شده است که با وجود اینکه یک شاعر حتی در زمان تألیف کتاب اهمیت خود را از دیدگاه محققین و

منتقدین نشان داده است، دکتر ابوسعید نورالدین نویسنده فاضل کتاب به آن‌ها به قدر کافی توجه نکرده است. از آن جمله می‌توان به شاعری به نام نظیر اکبرآبادی اشاره کرد. این شاعر در نیمه اول قرن بیستم پس از پایه‌گذاری نهضت ترقی‌خواه اهمیت خود را ثابت کرد و بیشتر پژوهشگران و پژوهشگران در اهمیت او و موضوعات و مضامین شعری وی کتاب‌ها و مقالات بسیاری نوشتند. اما از آنجا که تذکره‌نویسان پیشین به علت ناآگاهی از وی به عنوان شاعر درجه دوم یاد کردند، نویسنده این کتاب هم چنان که شایسته مقام اوست به آن نپرداخته است. یا حتی به شاعری به نام شیخ محمدابراهیم متخلص به ذوق که از سرآمدان قصیده‌گویی اردو به شمار می‌رود و جزء نامدارترین شاعران در قرن هیجدهم به شمار می‌رود کمتر پرداخته و از تبیین جایگاه اصلی وی غافل مانده و طبق رأی برخی از منتقدین که حامی و طرفدار میرزا محمد رفیع سودا بوده‌اند، نظر آن‌ها را طبق نظر نویسنده شعرالهند در برتری بخشیدن بر سودا آورده است (صفحه ۶۰۴).

سیر نگارش تاریخ ادب در اردو و جایگاه تاریخ ادب اردو از ابوسعید نورالدین

با نگاهی به سیر کتب تاریخ ادب در زبان اردو این امر روشن می‌شود که عمر تاریخ ادبیات نویسی در اردو چندان طولانی نیست و همانند فارسی در ابتدا ثبت احوال مختصر شاعران به شکل تذکره دیده می‌شود. میل به نوشتن تذکره در زبان اردو به اوایل قرن هیجدهم میلادی در بین شعرا و شعردوستان رواج پیدا کرده است. البته قبل از آن بیشتر تذکره‌ها به زبان فارسی نوشته می‌شد. به این دلیل که اغلب شاعران هم میل به شاعری به فارسی داشتند. البته از همان اوایل قرن هیجدهم است که با اتفاقاتی که در جامعه ادبی جنوب و شمال هندوستان رخ می‌دهد، شاعران به شعرگویی در زبان اردو تمایل پیدا می‌کنند. از نخستین تذکره‌ها در اردو می‌توان «گلشن هند» (تاریخ تکمیل ۱۸۰۱) را ذکر کرد. همچنین از دیگر تذکره‌های قدیمی به اردو می‌توان به «نکات الشعرا» از (میر تقی میر) «مخزن نکات» از (قائم چاند پوری، تقریباً ۱۷۵۲)، «تذکره ریخته گویان» از (فتح علی حسینی گردیزی) اشاره کرد. همچنین «چمنستان شعرا» از (لچمی نرائن شفیق اورنگ آبادی، ۱۷۶۵)، «تذکره عشق» از (وجیه‌الدین عشقی)، «طبقات الشعرا» از (قدرت‌الله شوق رامپوری)، «تذکره مسرت افزا» از (ابوالحسن امرالله اله‌آبادی)، «گزار ابراهیم» از (نواب علی ابراهیم خان خلیل) هم از تذکره‌های مشهور اردو به شمار می‌روند.

پس از این‌ها «تذکره هندی» از (شیخ غلام‌علی مصحفی همدانی ۱۷۹۴ - ۱۷۹۵) و از جنبه توجه به نقد در تذکره «گشتن بی‌خار» از مصطفی خان شیفته (۱۸۳۴) دارای اهمیت بسیاری هستند. دوره گذر از تذکره‌نویسی به تاریخ ادبیات نویسی در اردو با نگارش «آب حیات» توسط محمدحسین آزاد، در «۱۸۸۰» اتفاق افتاد. اگر چه خود آزاد آن کتاب را تذکره خوانده است، اما با توجه به تقسیم دوره‌ای شاعران در آن و صحبت از زمینه‌های فرهنگی ادبیات اردو در آن، این کتاب یک قدم از تذکره‌نویسی جلوتر است. البته به دلیل عدم وجود منابع متقن و نیز استفاده نویسنده از ذهن و فکر خود در آن و نیز نداشتن راه و روش علمی نقد، در برزخ تذکره و تاریخ ادبیات می‌ماند.

اولین اثر که با نام تاریخ ادبیات اردو در بین محققان و پژوهشگران شهرت یافت، «تاریخ ادب اردو» از یک نویسنده هندی به نام رام بابو سکینه است که به زبان انگلیسی و به سال ۱۹۲۷ به چاپ رسید. بعد از آن محمدحسن عسکری آن را در سال ۱۹۲۹ به اردو ترجمه کرد و به چاپ رساند. رام بابو در نگارش کتاب از روش انگلیسی‌ها استفاده کرد و در دو بخش نظم و نثر به طور جداگانه به بررسی ادبیات اردو پرداخت. البته در این کتاب هم، تکیه بر عنصر حوادث و نقد است. عمل تقسیم‌بندی دوره‌ها و زمان‌بندی هم غیرعلمی و بدون معیار صحیح انجام گرفته است. شاید تقسیم کتاب به دو بخش مجزای نظم و نثر با وجود ابتکار، یکی از کاستی‌های آن محسوب شود. چون اگر یک اثر منظوم و یک اثر منثور که در یک دوره نوشته شده‌اند، به جای اینکه در یک باب یا یک بخش و در امتداد هم مطالعه شود، بدون ارتباط به نظر می‌رسند و برای خواننده، این عدم ارتباط بسیار غلط‌انداز خواهد بود.

«داستان تاریخ اردو» از حامد حسن قادری، کتاب دیگر در تاریخ ادبیات اردو است که فقط به نثر در ادبیات اردو پرداخته است. اگر چه مطالب خوبی در مورد نویسندگان اردو زبان فراهم کرده است اما به نظر می‌رسد نویسنده نسبت به تاریخ ادبیات آگاهی ندارد. درباره ادبیات اردو «تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و هندوستان» در سه جلد توسط دانشگاه پنجاب و با همکاری گروهی از نویسندگان، مشتمل بر بازه زمانی «۱۷۱۲ تا ۱۹۷۰» به چاپ رسید. این کار هم چون به صورت گزینشی بود، نتوانست نیاز خوانندگان اردو زبان را برطرف کند. اگر چه باید اذعان داشت که از آنجا که محققین آن دانشگاهی بودند، در گردآوری مطالب از دقت بسیاری برخوردار بودند و با روش‌هایی کاملاً علمی به کار خود اقدام ورزیدند. اما مشهورترین کتاب تاریخ ادبیات اردو را دکتر جمیل جالبی در چهارجلد ضخیم نوشته است. وی از تقسیم‌بندی تاریخ ادبیات به متقدمین،

متوسطین و متأخرین خودداری کرده و با در نظر داشتن تقسیم‌بندی دوره‌ای، به طور اساسی شکل‌گیری و تغییرات سنت‌های ادبی را چه در نظم و چه در نثر در هر دوره مورد مطالعه دقیق قرار داده است. حوادث تاریخی، سیاسی و اجتماعی همگام با رخداد‌های ادبی مورد مطالعه قرار گرفته و تأثیرات آن‌ها بر ادبیات هم به طور عالمانه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است. منابع هر دوره با دقت بررسی شده و با دلیل و سند در مورد هر اثر ادبی منظوم و منثور صحبت شده است. نویسندگان که خود از محققین و منتقدین ادبی دوره معاصر اردوست، به خوبی از عهده این کار برآمده و توانسته است از کمبودها و کاستی‌های موجود در تاریخ ادبیات‌هایی که پیش از آن به نگارش در آمده‌اند مصون بماند.

کتاب تاریخ ادبیات مورد بحث در این مبحث که توسط دکتر ابوسعید نورالدین به سال ۱۹۹۷ به چاپ رسیده، بی‌تردید از تاریخ ادبیات نوشته شده توسط جمیل جالبی بسیار ضعیف‌تر است. این کتاب هم چون تاریخ ادب رام بابو بر دو بخش نظم و نثر استوار است و البته بخش نثر بسیار مختصر مورد بررسی قرار گرفته و به نظم در حد وسیع‌تری توجه شده است. این کتاب برای تدریس در دانشگاه از آن جهت که به زبانی ساده نوشته شده و از سویی از لحاظ حجم هم مختصرتر است، در حد اطلاع‌رسانی ابتدایی مفید است و بدون تردید پژوهشگران و دانشجویان باید در مرحله تحقیق دقیق‌تر و علمی در مورد هر مبحث باید به منابع دقیق‌تر و جامع‌تر مراجعه کنند.

قسمت نظم کتاب، مشتمل بر پنج باب است که شعر اردو را از ابتدا در باب شش مورد مطالعه قرار داده است. نخست در سرزمین‌های شمالی و سپس در جنوب. نویسنده سعی کرده است به اختصار در مورد اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر دوره‌های مورد بحث صحبت کند تا خواننده با ذهنی آگاه به مطالعه‌ی شاعران بپردازد. سپس در حد اختصار در مورد شعرای آن دوره هم بحث کرده است. به نظر می‌رسد آنجا که شاعر از اهمیت درسی کمتری برخوردار بوده است، کمتر در مورد او نوشته است و در صورتی که شخصیت موردنظر از این جنبه اهمیت بیشتری داشته است، به تفصیل از او بحث کرده است. این حالت در بیشتر قسمت‌ها به چشم می‌خورد. البته این بدان معنا نیست که همه شعرای تأثیرگذار را به تفصیل مورد مطالعه قرار داده است. شاعرانی چون نظیر اکبرآبادی، شیخ محمد ابراهیم ذوق را آنچنان که شایسته جایگاه آنها در ادبیات اردو است، بحث نکرده است. در باب‌های بعدی تحت عنوان دوره‌های مختلف در مورد شعر صحبت شده است. در مقایسه با تاریخ ادب دکتر جمیل جالبی، نسبت به جایگاه شاعران

مختلف نقد کمتری به چشم می‌خورد و گاهی در حد تذکره عمل می‌کند. البته ناگفته نماند که در مورد برخی شاعران که منابع بیشتری هم در اختیار نویسنده بوده است، نسبتاً تفصیلی عمل شده است. در مورد میرزا غالب دهلوی، اقبال لاهوری و میر تقی میر این تفصیل بسیار خودنمایی می‌کند.

اگر به قسمت کتاب‌شناسی موجود در آخر هر مبحث نگاه کنیم، می‌بینیم که نویسنده از منابع محدودتر و بسیار تکراری استفاده نموده است. در کتاب‌شناسی پایان کتاب هم، ۷۸ منبع ذکر شده است که اگر به تعداد شعرا در دوره قدیم هم نگاهی بیندازیم می‌بینیم که در مورد آنها حداقل باید به بیش از ۵۰ تذکره مراجعه کنیم. کتاب‌های تحقیقی که در مورد شاعران و سبک کار آنها در قرن بیستم به نگارش درآمده‌اند را هم اگر با توجه به حجم کار در نظر بگیریم، مطمئناً به عددی بیش از چهار برابر این تعداد برای احاطه بر کار نیاز است. به هر حال باید گفت که بیشتر مطالب نقل قول از منابع و مراجع پیشین است و کمتر اجتهاد و رأی و نظر نویسنده در درج مطالب به چشم می‌خورد. نکته‌ای که اشاره بدان ضروری است این است که ابوسعید نیز همانند بسیاری از همگنان خود، ادبیات اردو را تقسیم نموده و برای آن عناوین مختلفی در نظر گرفته است. همانند ادبیات اردو در دکن و جنوب، ادبیات اردو در دهلی و مکتب‌های دهلی و لکنئو تقسیم کرده است که اگر چه در بدو نظر، با این تقسیم‌بندی تفهیم مطالب به دانشجویان آسان می‌نماید، اما بزرگ‌ترین نقص این روش این است که در مطالعه ادبیات در یک خطه، خواننده از وضعیت ادبیات اردو در یک مورد و مبحث در یک زمان خاص، از مطالعه یک اثر یا یک ادیب و آثارش که درست هم دوره با مورد مورد بحث در یک منطقه است، غافل می‌ماند. از این نظر بهتر این است که در تدریس ادبیات اردو از این کتاب، استاد نسبت به مباحث هم‌دوره با مبحث موردنظر در دیگر مناطق آگاهی داشته و دانشجویان را راهنمایی کند و از آنها بخواهد که از کتب دیگری چون تاریخ ادبیات دکتر جمیل جالبی مطالعه خود را تکمیل کنند. همچنین از روی همان کتاب، از وضعیت سیاسی و اجتماعی هر دوره آگاهی کامل کسب کند.